

# در آمدی بر امنیت اجتماعی

منیزه توبدینیا

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

## مقدمه

نظام نوین جهانی از همان آغاز با ناامنی، هرج و مرج، بحران و جنگ روبه‌رو بوده است. بسیاری از گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و غیره که در سالهای گذشته در چارچوب‌های سیاسی - اجتماعی نسبتاً آرامی در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، اکنون پس از پایان جنگ سرد، نزاع جدیدی را بخاطر هویت‌جویی در سراسر جهان تجربه می‌کنند. آنها که فکر می‌کردند با پایان جنگ سرد و رقابتهای تسلیحاتی، نظامی و ایدئولوژیک افسار گسیخته، جهان می‌رود از امنیت وثبات سازنده‌ای برخوردار گردد، بزودی از این اندیشه خام سرخورده شدند.

سقوط سریع امپراطوری شوروی و تقسیم آن به کشورهای مستقل کوچک و بزرگ مفهوم امنیت، حاکمیت، استقلال و دیگر پدیده‌های دیرپای سیاست و روابط بین‌الملل را دستخوش دگرگونی کرد. مفهوم سنتی امنیت اعتبار خود را از دست داد و منافع قومی و مرزهای نژادی جایگزین منافع، آرمانها و اهداف دولت - ملتها شد.

به رغم این پیشینه، مذاکرات مشترک و آشکار بسیاری در این خصوص انجام شد که امنیت باید توسعه یابد تا مواردی همچون مهاجرت، پناهندگان، جنایات و وخامت نظم عمومی و رویارویی خشونت داخلی را نیز دربرگیرد.

بنابراین، شاهد تحولی عمده در نگرش محققان به امنیت ملی هستیم و آن عبارتست از تحول از مفهوم تک بعدی به مفهومی چند بعدی (۱). محققان حوزه امنیت ملی هم‌اکنون براین باورند که تکیه بر بعد نظامی برای درک صحیح و تحقق کامل امنیت ملی

به هیچ وجه کافی نیست و ضروری است تا ملاحظات مربوط به ابعاد غیرنظامی در کانون محاسبات امنیتی قرار گیرد.

از جمله ابعادی که کمتر به آن پرداخته شده نقش نیروهای اجتماعی و ساختارهایی مثل قبیله، خانواده، ایل، سازمانهای مذهبی، گروههای قومی، طرفداران حقوق زنان و غیره در تغییر الگوهای امنیتی و یا تحصیل این مقوله مهم است.

امنیت اجتماعی که در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مولفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد بیانگر پیوند و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان امنیت دولت و جامعه است. در تحلیل بعد اجتماعی امنیت ملی هدف، حفظ ارزشهای دیرپای اجتماعی است که گروههای مختلف در جامعه متولی آن هستند. در واقع سطح دیگری از منافع عمومی بین فرد و دولت وارد صحنه می‌شود که قائم به گروهها و دسته‌های اجتماعی است که هر یک کلیت منحصر به فردی را تشکیل می‌دهند.

گروههای مذهبی، جنسی، نژادی، سنی، قومی و ملی از جمله گروههای اجتماعی هستند که جایی برای خود در فاصله بین فرد و دولت تشکیل داده و الگوی امنیت را از حالت قطبی ساده بین فرد و دولت خارج کرده‌اند و به جهت ارائه الگوهای خاص رفتاری نقش بسزایی در تامین امنیت ایفا می‌کنند.

در واقع، موضوع امنیت در سطحی پایین‌تر از دولت یعنی با افراد و سایر اجتماعاتی که رفا، هستی و هویت خود را در معرض تهدید می‌بینند، مرتبط است که در ذیل امنیت اجتماعی به آن پرداخته می‌شود بدین ترتیب، اصل موضوعه امنیت اجتماعی معطوف به حفظ و بقای ویژگیهای بنیادی و اساسی گروههای اجتماعی است که تحت عنوان «هویت» از آن یاد می‌شود.

نظر به محدود بودن آثار در این زمینه و پیچیدگی و ابهام موضوع، ارائه یک تعریف جامع از امنیت اجتماعی ممکن نیست. بنابراین هدف مقاله حاضر بدست دادن تصویری از مفهوم مورد نظر است و بدین منظور به تشریح نقطه نظرات اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در باب امنیت اجتماعی می‌پردازد تا خواننده را به درک همسانی نقطه نظرات در باب امنیت اجتماعی رهنمون شود.

از سوی دیگر چون غالباً امنیت در فقدان تهدید و آسیب تعریف می‌گردد به شرح تهدیدات در حوزه امنیت اجتماعی پرداخته و انواع آن مورد بررسی قرار می‌دهیم و در

نهایت با بحثی پیرامون نحوه ارزیابی امنیت اجتماعی مقاله را پایان می‌دهیم. معادله سنجش امنیت حائز اهمیت می‌باشد چرا که توانایی سنجش امنیت از جمله لوازم اساسی برای درک امکان تحقق امنیت اجتماعی است و با آگاهی از میزان و کیفیت آن می‌توان ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از چگونگی استقرار امنیت در روابط میان گروه‌های اجتماعی بدست آورد.

### الف. مولار و اشکال امنیت<sup>۱</sup>

از آنجا که آغاز تدبیر و تفکر در باب امنیت با وجه سلبی آن همراه بوده است یعنی شرایط فارغ از خطر، ترس، زیان و صدمه و استمرار شرایط اطمینان خاطر و آرامش. بر همین منوال در باب امنیت اجتماعی نیز وجه سلبی آن بیشتر مورد توجه و تعمق می‌باشد چنانکه مولار خاطر نشان می‌کند امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جامعه تهدیدی در باب مولفه‌های هویتی خود احساس کند.

مولار بحث خود در باب امنیت اجتماعی را با شرح اشکال متفاوت امنیت آغاز می‌نماید. او معتقد است امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد که پاسخ به سوال اساسی امنیت برای چه کسی یا به بیان دیگر هدف مرجع امنیت در هر یک از این اشکال متفاوت است و به تناسب تفاوت در مراجع امنیت، تهدیدات نیز متفاوت خواهند بود.

اشکال امنیت	هدف مرجع	تهدیدات
ملی	دولت	حاکمیت - قلمرو
اجتماعی	گروه‌های امنیت	هویت
انسانی	فرد	بقا

چنانکه ملاحظه می‌گردد مقام مرجع در امنیت ملی، دولت، در امنیت اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، و در امنیت انسانی تک‌تک افراد است. (۲)

## ۱. امنیت ملی

امنیت ملی اصطلاحی است که معمولا در متون سیاسی، اجتماعی و حقوقی به کار می‌رود. این اصطلاح در عین اهمیت، دارای ابهام است و همچون برخی مترادفهای خود به آسانی قابل تفسیر و تعریف نیست.

امنیت ملی پس از جنگ جهانی دوم در معنای وسیعی بین ملل مختلف به کار رفته است. معنای روشن آن حفظ مردم یک کشور و سرزمین در مقابل حمله فیزیکی است و به مفهوم «دفاع» بکار رفته و در معنای وسیع‌تر بر حفظ منافع حیاتی، سیاسی و اقتصادی و فقدان تهدید نسبت به ارزشهای اساسی و حیاتی یک دولت اطلاق می‌شود. (۳)

بدون شک امنیت بعنوان یک مفهوم به هدفی نیاز دارد که به آن استناد نماید و ضرورت وجودی آن را توجیه کند. زیرا بدون پاسخ به این سوال که امنیت برای چه؟ این ایده هیچ معنایی ندارد. هدف مرجع امنیت ملی را دولت تشکیل می‌دهد و در نظام بین‌الملل، دولت دارای حاکمیت و قلمرو، واحد استاندارد امنیت ملی قلمداد می‌گردد. (۴)

دولتها واحدهای سیاسی - اجتماعی در قلمروهای سرزمینی خاص هستند. آنها تجمعات انسانی هستند که در داخل آنها نهادهای حاکم بر جوامع، روابط در هم تنیده‌ای در یک قلمرو خاص دارند. در غالب موارد اهداف اصلی تاثیر متقابل قلمرو، حکومت و مردم چیزی است که دولت را تشکیل می‌دهد. دولتها دارای پایگاه مادی شامل جمعیت و سرزمین و نهادهایی هستند که آنها را هدایت کرده و مدیریت کنند. با این همه، از جمع این سه امر دولت پدید نمی‌آید چرا که یک واحد اجتماعی کشاورزی، یک کارخانه، یک خانوار و بسیاری از واحدهای اجتماعی دیگر براحتی ممکن است با معیارهای مزبور مطابقت کنند. عامل دیگری که باعث می‌شود دولت به منزله موجودیتی مجزا درآید «حاکمیت» است.

حاکمیت عنصری حیاتی است که دولت را از همه واحدهای اجتماعی دیگر جدا می‌کند. این همان سیمان پیوندگری است که مجموعه سرزمین - حکومت - مردم را به یکدیگر متصل می‌کند.

حاکمیت به زبان ساده به معنی حکومت بر خود یا خودگردانی است. به این معنا که هیچ قدرت و اقتداری فراتر از آن نیست و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در بین مردم و در قلمرو سرزمینی، دولت است. (۵) حاکمیت عبارت است از حق شناختن خود بعنوان

مرجع نهایی اختیارات حکومتی در محدوده ارضی دولت ادعای حاکمیت باعث می‌شود که دولت بالاترین شکل تجمع انسانی باشد و نقش محوری آن را در تحلیل سیاسی توجیه کند.

از آنجا که امنیت ملی به رابطه دولت با محیط خود مربوط است تهدیدات امنیت ملی نیز معطوف به اجزای گوناگون دولت خواهد بود. کلیه تجاوزات و تعرضات به قلمرو و سرزمین دولت ملی که مرزهای آن به رسمیت شناخته شده و همچنین کلیه اقداماتی که موجب اختلال و نابسامانی در حاکمیت دولت بعنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و اختیارات کشوری گردد، جزو تهدیدات امنیت ملی شناخته می‌شود. (۶)

بدین ترتیب وقتی قلمرو و سرزمین یک کشور مورد تهدید واقع می‌شود بعد نظامی و سستی امنیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اما زمانی که تهدید مربوط به براندازی و مبارزه خواهی از جانب گروههایی است که اقتدار دولت را نپذیرفته‌اند مفهوم گسترده‌تر، امنیت ملی مورد توجه خواهد بود و جای مفهوم نظامی محدود قدیم را تعریف وسیع‌تری می‌گیرد که می‌تواند شامل طیف کاملی از ابعاد زندگی امروزی گردد. در این چشم‌انداز تهدید امنیت ملی به معنای همه آن چیزهایی است که سلامت، بهزیستی اقتصادی، ثبات اجتماعی و صلح سیاسی یک ملت دارای دولت را به مبارزه می‌طلبد. بنابراین، مولفه‌های نظامی نقش تعیین‌کننده خود را در تامین امنیت ملی از دست داده‌اند و عوامل دیگری چون ملاحظات فرهنگی، اجتماعی در تضمین امنیت ملی سهم گردیده‌اند. (۷)

## ۲. امنیت انسانی

پس از رنسانس و با گسترش فردیت‌گرایی و محوریت یافتن انسان در اکثر شئون زندگی بشر به حیث انسان بودن دارای حقوقی شناخته شد که رعایت آن برای تمامی جوامع لازم و ضروری است و از اینرو برای حفظ و نگهداری حقوق عام بشری و تمهیداتی جهت جلوگیری از تعدی و تعرض به آنها امنیت انسانی بعنوان ترجمان این نیاز در روابط بین‌الملل اهمیت یافت.

امنیت انسانی را نمی‌توان بسادگی تعریف کرد عواملی مثل حیات، ثروت، موقعیت اجتماعی سلامتی و آزادی بسیار پیچیده هستند و ارزیابی کم و کیف تحقق آنان ارتباط

تنگانگی با معیارهای ذهنی افراد دارد. بدین جهت تفسیر این مفهوم بشدت نسبی است و به اعتبار شرایط و زمینه‌های متفاوت تغییر می‌یابد. با اینحال امنیت انسانی از موضوعات مهمی است که سازمانهای بین‌المللی متعددی پیگیر و مسؤول آن هستند و آن را زمانی تحقق یافتنی می‌دانند که انسانها خود را از تهدیداتی چون قحطی، بیماری، خشونت مجرمانه، فجایع طبیعی، هدم آزادیهای مدنی، تنزل رتبه، تحقیر در انظار عمومی و غیره، آزاد و ایمن حس کنند.

در پاسخ به سؤال امنیت برای چه کسی و امنیت در مقابل چه نوع تهدیداتی است که امنیت انسانی بعنوان یکی از اشکال امنیت مطرح گردیده و محملی برای پاسخگویی به موضوعاتی است که در مفهوم امنیت ملی لحاظ نگردیده یا حداقل توجه کافی به آن مبذول نشده است.

مرجع امنیت انسانی، فرد است که از حیث تعلق به جامعه انسانی مورد توجه بوده و حفظ و استمرار بقای آن با از میان بردن یا کنترل مخاطرات و تهدیداتی که بقای انسان را به مخاطره می‌اندازد امکان‌پذیر می‌گردد.

قتل عام انسانها در جنگهای داخلی، تهدید سلامتی آنان به جهت شیوع بیماریها، عدم برخورداری از تغذیه مناسب اعمال اشکال گوناگون خشونتها، مخاطرات ناشی از جنگ اتمی و فجایع طبیعی از جمله تهدیدات و تردیدهایی هستند که بر سرنوشت افراد سایه افکنده‌اند و گرچه مرفه‌ترها قادرند خود را از برخی ناامنی‌ها مثل قحطی، بیماریهای قابل پیشگیری یا برهنگی دور نگاه دارند ولی در موارد دیگر با فقر و تنگدستان در یک ردیف قرار دارند. (۸)

بنابراین اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است ناشی از این حقیقت می‌باشد که آنها در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب است که صرفاً تعلق به گروهی خاص چون مرفه، نخبه و غیره موجب رهایی از آن نمی‌گردد. بدین جهت امنیت انسانی در پی تحقق امنیت در مقابل تهدیداتی مطرح گردید که موجودیت فرد را به مخاطره می‌اندازد.

امنیت انسانی در پی تامین ایمنی و اطمینان خاطر برای بشر در برابر گرسنگی و بیماریها و همچنین تمام اشکال خشونت و کنشهای منافی حرمت انسانی است که باعث اختلال یا نابودی حیات و بقای او می‌گردند.

### ۳. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تامین آن سهیم و شریک هستند و از این رو، به تدریج و همگام با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند. در حال حاضر با توجه به کاهش کنترل حکومتها بر جوامع خود، ظهور جنبشهای جدایی طلب فرو ملی، افزایش روزافزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان و چسارچوسهای در حال تحول داخلی و خارجی بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب‌ناپذیر است و تعریف گفتمان جدید امنیتی برای تنظیم روابط میان مردم و دولتها در قالب گروههای اجتماعی ضروری می‌باشد و مولار در همین راستا از مفهوم امنیت اجتماعی یاد می‌کند.

وی تاکید دارد که امنیت اجتماعی را می‌توان بعنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی بکار برد و آن را عبارت می‌داند از: قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمنها، مذهب، هویت ملی و رسوم. (۹)

بدین ترتیب امنیت جوامع آشکارا با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجزا از آن است. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظامهای دولت و ایدئولوژیهایی که به دولتها و حکومتها مشروعیت می‌بخشد، مربوط می‌شود اما امنیت اجتماعی به بقای گروههای اجتماعی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به عنوان هویت یاد می‌شود.

در جهان امروز، مرزهای دولت و جامعه بندرت قرینه و منطبق بر هم هستند. بنابراین، کلید تقرب به جامعه ایده‌ها و کردارهایی است که افراد را به عنوان اعضای یک گروه اجتماعی معرفی می‌کند. جامعه شامل هویت و ذهنیت فردی اجتماعات و آن افرادی است که خود را بعنوان اعضای یک اجتماع یا جامعه خاص می‌شناسند. این امر باعث می‌شود که امنیت اجتماعی بعنوان امنیت جامعه یا گروهها و جمعهای شکل دهنده جامعه درک و فهم شود.

امنیت دولت دربرگیرنده «حاکمیت» بعنوان معیار نهایی خود است اما امنیت اجتماعی دربرگیرنده «هویت» است و هر دو آنان، بر بقا دلالت دارند. دولتی که حاکمیت خود را از دست می‌دهد دیگر بعنوان یک دولت دوام نمی‌آورد و جامعه‌ای که هویتش را از دست می‌دهد دیگر قادر نخواهد بود که بطور قائم بالذات ادامه حیات دهد.

## ب. ویور و امنیت اجتماعی

ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگیهای اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. (۱۰) ویور بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تاکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند. بطوری که باید قادر به حل اختلالات هویتی باشد و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند احساس مسئولیت نداشته و آنها را تنها به دولت واگذار نمایند.

ویور معتقد است تئوری امنیت اجتماعی بر هویت‌های جمعی در مقیاس بزرگ مانند هویت‌های مذهبی و هویت‌های قومی متمرکز است که کارآیی و وظایفی مستقل از دولت دارند. ویور هویت را به عنوان مفهوم صریح امنیت اجتماعی قلمداد نموده و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح می‌شود که جامعه تهدیداتی نسبت به هویتش احساس کند. (۱۱)

در واقع امنیت اجتماعی یک موضوع هویتی و نوعی تئوری مطرح در روابط بین‌الملل است که در جستجوی جنبه‌های اجتماعی تاثیرگذار در ارتباطات بین‌المللی می‌باشد. این تئوری بیانگر اهمیت و برجستگی فزاینده امنیت یا ناامنی اجتماعی یعنی موقعیتهایی که در آن گروه‌های مهمی در یک جامعه احساس می‌کنند هویت آنها بوسیله مهاجرت، واگرایی یا امپریالیزم فرهنگی در خطر است و تلاش می‌کنند تا از خود دفاع کنند. در گذشته هرگاه ملتی بدین شیوه‌ها احساس تهدید می‌کرد می‌توانست از دولتش بخواهد تا بطور مقتضی بدان پاسخ دهد. با کدر شدن مرزها، به نظر می‌رسد که این امر دیگر امکان‌پذیر نیست اما می‌توان تهدیدات هویتی را با تقویت هویت و فرهنگ پاسخ داد.

### ۱. هویت

برای فهم روش‌تر امنیت اجتماعی لازم است به بحث پیرامون مفهوم هویت بپردازیم. هویت چیست؟ اگر بخواهیم به معنای لغوی هویت توجه کنیم تا حدی می‌توان از معنای لغوی آن چیزهایی را استنباط کرد. فرهنگ معین هویت را چنین تعریف کرده است آنچه که موجب شناسایی شخص باشد یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری گردد.



پس هویت در خلاء مطرح نمی‌شود. حتماً یک خود وجود دارد و یک غیر وگرنه شناسایی معنا پیدا نمی‌کند.

هویت به معنی «چه کسی بودن» از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشأت می‌گیرد. این احساس نیاز به تعلق، نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فرد وجود دارد. به عبارت دیگر باید گفت هویت تعریفی است که فرد از خود و وجود خود می‌کند و به پرسشهایی چون چیستم و چه می‌خواهم، پاسخ می‌دهد و از طریق آن به ابعاد شخصیت خود، نوعی هماهنگی و انسجام نسبی می‌بخشد و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان موضع‌یابی می‌کند. (۱۲)

مهمترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است. که در تحقق این امر، دو عنصر دخالت دارد که عبارتند از تعریف ما از خود و دیگران. نکته قابل توجه آن که هویت در هر سطحی در مقابل «غیر» مطرح می‌شود. مثلاً زمانی اسلامیت افراد در برابر غیرمسلمانها بعنوان مرکز هویتشان مطرح می‌شود و در زمان دیگر و در جایی دیگر بودن و یا آذری بودن آنها، کانون محوری هویت را از آن خود می‌کند. بنابراین هویت وجه تمایز بین «من»، «ما» با غیر و دیگرست و احساسی است که تعلق فرد به یک کشور، جامعه و مجموعه خاص را نشان می‌دهد. تاریخ مشترک، منافع مشترک و سرنوشت مشترک از جمله وجوه این هویت را تشکیل می‌دهد و موجب پیوستگی و همراهی اعضای یک جامعه با یکدیگر می‌شود. (۱۳)

برخورداری از هویتی منسجم سبب می‌شود تا فرد نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود، موضع واحدی را با در دست داشتن معیارهای واحد، در پیش بگیرد. (۱۴)

## ۲. انواع هویت

هویت را بطور کلی به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنند هویت فردی در واقع عبارت است از خود اساسی و مستمر فرد، یا مفهوم درونی و ذهنی از خویش بعنوان یک شخص (۱۵).

گذشته از سطح فردی، هویت در سطوح بالاتر و عامتر به مفهوم هویت جمعی نیز قابل رویت است و منظور از آن حوزه‌ای از حیات اجتماعی است که فرد خود را با ضمیر «ما» متعلق و متناسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. این هویت‌های

جمعی را می‌توان در سطوحی مرتب از کوچک و خاص به بزرگ و عام چون خویشاوندی، هم‌طایفگی، هم‌محلی، هم‌روستایی، هم‌زبانی، هم‌شهری، هم‌وطن، هم‌مذهب و هم‌نوع تقسیم‌بندی کرد. (۱۶)

- هویت اجتماعی به مجموع ویژگی‌هایی راجع است که فرد بواسطه آنها خودش را بعنوان عضو یک گروه قلمداد می‌کند و بر همین اساس دیگران را از گروه خودی متمایز می‌نماید.

- پنج دسته‌بندی در ارتباط با هویت اجتماعی صورت گرفته است که عبارتند از:

هویت ملی - مذهبی (مانند آمریکایی، آسیایی، یهودی، مسلمان)

هویت سیاسی (فمینیست، طرفداران محیط زیست، انقلابیون)

هویت شغلی (روانشناس...)

هویت مبتنی بر روابط فردی (مادر، جوان، بیوه)

هویت نشاندار (الکلی، بیماران ایدز، شخص چاق)

بنابراین هویت اجتماعی بر چسب یا شناسه‌ای است که به تعدادی افراد که بر مبنای تعدادی مشترکات گردهم می‌آیند، الصاق می‌شود تا بتوان آنها را مورد شناسایی قرار داد. (۱۷)

## ج. بوزان و امنیت اجتماعی

بوزان بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیک‌نهیفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی بعنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد.

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را بعنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند. (۱۸)

در واقع آنچه باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضاء، از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران بعنوان بیگانه و خارجی. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و

باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال بوجود آمده است و از آن بعنوان «ما» یاد می‌کنند بطور مثال ما مسلمانها، ما زنان... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیکی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌نماید.

## ۱. امنیت اجتماعی و تامین اجتماعی

بوزان بر درک مفهوم امنیت اجتماعی بعنوان امنیت هویت تاکید و دو اشتباه مفهومی در باب کلمه Societal را یادآور شده است. (۱۹)

اول آنکه امنیت اجتماعی مانند تامین اجتماعی در نظر گرفته نشود چرا که تامین اجتماعی درباره افراد و بطور گسترده‌تر در اقتصاد مطرح است ولی امنیت اجتماعی درباره جمعهای بشری و هویتشان می‌باشد و به سطح افراد و بطور اخص به پدیده‌های اقتصادی قابل تقلیل نیست. بلکه به سطح هویت‌های جمعی و کنشهایی که به منظور دفاع از هویتها، تحت عنوان «ما» صورت می‌گیرد، نظر دارد.

## ۲. تفاوت جامعه و اجتماع

دوم آنکه جامعه برای بیان گسترده‌تر و مبهم‌تر جمعیت دولت بکار گرفته می‌شود که بر پایه سرزمین و شهروندان رسمی استوارست. در حالی که اجتماع به گروهی که هویت خاصی را یدک می‌کشد، مربوط می‌شود. بطور مثال جامعه سودان شامل جمعیتی است که تحت حاکمیت دولت سودان قرار دارند و از واحدهای اجتماعی گوناگون از جمله اعراب و سیاهان آفریقایی تشکیل شده است. اما زمانی که از اجتماع اعراب یاد می‌کنیم در واقع منظورمان گروههایی است که نمایانگر هویت یکسانی هستند.

بوزان، جامعه را شامل هویت، خودپنداری اجتماعات و افرادی که خودشان را بعنوان اعضای اجتماع قلمداد می‌کنند، می‌داند. در حالی که به نظر وی اجتماع شامل گروههایی است که دارای هویت یگانه باشند.

تعریف یوزان از اجتماع با تعریف ویور از جامعه یکسان می‌باشد. به بیان ویور جامعه عبارتست از مجموعه‌ای از نهادها که با احساس هویت مشترکی درهم آمیخته‌اند. بنابراین به نظر ویور:

اولاً- یک ملت حالت خاصی از جامعه است

ثانیاً- جامعه بطور ذاتی با خاک و سرزمین پیوند ندارد

و ثالثاً- اعضای جامعه ممکن است با یکدیگر توافق نداشته باشند اما با یکدیگر همبستگی دارند تا خودشان را در مقابل تهدیدات بیرونی محافظت نمایند. (۲۰)

#### د. تونیس و امنیت اجتماعی

اصطلاح اجتماع در جهت نشان دادن نوع خاصی از گروه‌بندی اجتماعی بسیار مورد توجه و استفاده جامعه‌شناسی قرار گرفته است.

از دیدگاه ماکس وبر شاخص اساسی اجتماع احساس «ما» است. او می‌گوید: «هر رابطه اجتماعی را آنگاه و تا آنجا که در آن عمل اجتماعی از احساسات ذهنی، عاطفی و یا سستی مشارکین در حیات اجتماعی الهام می‌گیرد و از آن، کلیتی خاص پدید می‌آید، اجتماع می‌خوانیم.» (۲۱)

از نظر ژرژ گورویچ، اجتماع گونه‌ای خاص از اشکال روابط با دیگران است که بر پایه نوعی آگاهی از وجود «ما» (که با آن پدید می‌آید) تجلی می‌یابد. اعضای چنین «مایی» بنوعی ذوب در یکدیگر و مشارکتی که از نظر شدت بین مشارکت جذب گونه و فشار توده قرار می‌گیرد، دست می‌یابند. (۲۲)

مفاهیم گمانیشافت و گزلفاشت را جامعه‌شناسی آلمانی، فردیناند تونیس ساخته و پرداخته است. گمانیشافت نشان دهنده اجتماع و گزلفاشت نمایانگر جامعه است. گمانیشافت با پیوندهای نزدیک، صمیمانه و شخصی، علاقه به رفاه هم‌دیگر، همکاری و اعتماد متقابل، مشخص می‌شود. ویژگی چنین جمعی، کوچکی آن، بقای روابط سستی در درونش و سرنوشت مشترک اعضای آنان است. اما گزلفاشت بر رقابت، نفع شخصی، کارایی، پیشرفت و تخصص مبتنی است. ویژگی چنین جمعی، بزرگی جامعه و بسط و رجحان روابط عقلانی در آن می‌باشد.

تونیس از Community Security یاد می‌کند که در واقع به گمانی‌شافت و حفظ آنها از خطرات و آسیبه‌ها راجع است (۲۳) و مشابه مفهومی است که بوزان تحت عنوان Societal Security مطرح کرده است.

آندرسون خاطر نشان می‌کند که پیچیدگی مفهومی و معرفت شناختی امنیت اجتماعی از ماهیت و ذات هویتی که اجتماعات بر اساس آن شکل گرفته‌اند نشأت می‌گیرد. (۲۴) گرچه می‌توان از عوامل عینی چون زبان، سرزمین، خون و فرهنگ نام برد ولی عوامل ذهنی دیگری که با ویژگی‌های تاریخی پیوند دارند همچنان هویت را پیچیده و مبهم جلوه می‌دهند.

### ۱. تقارن مفهومی امنیت اجتماعی<sup>۱</sup>، امنیت هویت<sup>۲</sup> و امنیت جامعه‌ای<sup>۳</sup>

این سه مفهوم، در واقع مصادیق افرادی هستند که به لحاظ اشتراک در پاره‌ای ویژگی‌ها عنوان «ما» رابه خود منتسب می‌دانند. این ویژگی‌های مشترک می‌تواند خاستگاهی طبیعی (جنسیت) یا منشائی اجتماعی (ملت) داشته باشد. ویژگی‌های مشترک که به تعبیری هویت‌نامیده می‌شوند موضوع مورد بحث امنیت اجتماعی است در واقع امنیت اجتماعی را می‌توان چنین تعریف نمود: عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی‌های مشترک گروه اجتماعی چون مذهب، زبان و سبک زندگی.

این ویژگی‌های مشترک در میان افراد اجتماع ظهور یافته و در اجتماع دوام و استمرار خواهند داشت. در واقع آنچه تونیس بر آن تاکید دارد این است که در هر جمع بشری نمی‌توان شاهد روابط صمیمی، دوستانه و مبتنی بر همکاری، و روابط حمایتی بود بلکه این روابط در سطح گروه‌ها یا جمع‌های بشری که از مقیاس کوچکی برخوردارند، امکان‌پذیر می‌باشد که تونیس از آنها بعنوان اجتماع یا گمانی‌شافت یاد می‌کند. همین توجه به کیفیت گروه‌های اجتماعی است که بوزان را وامی‌دارد تا به بیان تفاوت ملت و اجتماع پردازد چنانکه وی مطرح می‌کند، گاهی ممکن است جمعیت تشکیل دهنده ملت و اجتماع یکی باشند ولی صرف‌نظر از این موضوع، که همیشه صادق نیست. ملت به

1. Societal Security
2. Identity Security
3. Community Security

جمعیت تحت حاکمیت دولت خاصی (شهروندان) راجع است در حالی که اجتماع به جمعیتی اشاره دارد که به سبب ویژگیهای مشترک گردهم آمده‌اند مانند گروههای نژادی و قومی.

## هـ تهدیدات

تهدید هویت در واقع همان چیزی است که تهدید «ما» قلمداد می‌شود. و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است چرا که بستگی به آن دارد که هویت «ما» بر اساس چه چیزهایی ساخته شده باشد. چنانچه هویت اجتماعی بر تمایز، تنهایی و ترقی فردگرا ساخته شده باشد یک گروه کوچک مختلط بعنوان تهدید دیده خواهد شد. اما اگر بر مبنای تجانس افراد گروههای قومی تشکیل شده باشد گسترش ناسیونالیسم برای او تهدیدآفرین خواهد بود. اگر زبان محوریت هویت ملی را تشکیل دهد هژمونی جهانی زبان انگلیسی برای دیگر زبانها به منزله تهدید بنابراین هویت در روندهای گوناگونی شکل می‌گیرد و بر این اساس موضوعات گوناگونی می‌توانند بعنوان تهدیدات هویت مورد توجه واقع شود.

بوزان تهدیدات امنیت اجتماعی (یا به تعبیر دیگر وی تهدیدات امنیت هویت) را به سه دسته کلی شامل مهاجرت، رقابت طولی (یا افقی) و رقابت عرضی (یا عمودی) و یک دسته فرعی بنام افت جمعیتی تقسیم می‌نماید. (۲۷)

### ۱. مهاجرت

مهاجرت: افراد X در آغاز بوسیله تعدی یا زورگویی افراد Y مجبور به کوچ می‌شوند اجتماع X نمی‌خواهد آن چیزی باشد که اجتماع Y می‌گوید. چرا که در این صورت دگرگونی در آنها حاصل خواهد شد ولی علیرغم این مخالفت هویت افراد X پس از مهاجرت به اجتماع Y دچار تغییر و تحول می‌شود از جمله می‌توان در این ارتباط به مهاجرت چینی‌ها به تبت و مهاجرت روسها به استونی اشاره کرد.

## ۲. رقابت‌های طولی

رقابت: گرچه افراد X هنوز در جامعه خود زندگی می‌کنند ولی با اینحال آنها مایلند روشهایشان را تغییر دهند. زیرا برتری فرهنگی و زبانی Y که همسایه آنها می‌باشد، افراد X را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مانند کاناداییهایی که دارای مسلک آمریکائی هستند. در واقع در رقابت طولی شاهد نوعی همجواری میان هویت خود و گروه برتر هستیم بدون آنکه تعارضات خاص به بحران منجر شود.

## ۳. رقابت‌های عرضی

رقابت عرضی: افراد در عین آنکه مایلند خودشان را همانند افراد X بدانند یا با X همانند سازی کنند و از آنچه هستند و فکر می‌کنند به چیز دیگری فکر کنند و به تعریف جدیدی برای خویش برسند. در عین حال امکان مزوج نمودن و سازگاری تعلقات به گروههای اجتماعی گوناگون، این هدف را دچار چالش، تعارض و کشمکش کرده و افراد قادر به حل مسالمت‌آمیز آن نخواهند بود.

در رقابت عرضی، تعارضات میان تعاریف متعددی که فرد به جهت تعلق به گروههای مختلف اجتماعی داراست او را از امکان برخورداری یک الگوی هدفمند مشخص بازمی‌دارد. مانند فردی که متعلق به گروه اقلیت قومی است و عدم برخورداری از امکانات را به جهت تبعیضات در زندگی خویش و هموعان قومیش تجربه نموده است در عین آنکه تمایل به وفاداری به یک ایدئولوژی برابرنگر به انسانها را دارد. شرایط امتزاج این هویت‌های متعارض برای او امکان‌پذیر نیست و هر یک از تعلقات او چالش‌هایی را برای فرد در برابر تعلق دیگر او ایجاد می‌نماید.

## ۴. کاهش جمعیت

تقلیل جمعیت که بوسیله طاعون، جنگ، قحطی، بلاهای طبیعی یا سیاستهای نابودسازی صورت می‌پذیرد بطور خاص تهدیدی برای امنیت اجتماعی تلقی نمی‌شوند مگر آنکه جامعه را دچار اختلال گسترده نماید. همچنین بیکاری، جنایت، بیماریهای چون ایدز تهدیدهایی در سطح فردی هستند ولی زمانی که دامنه آنها گسترش یابد و جامعه را در هم شکند بعنوان تهدیدی در قبال امنیت اجتماعی مطرح خواهند شد.

گرچه در مقام تحلیل، این سه نوع اصلی تهدیدات از یکدیگر متمایز هستند ولی در عمل به یکدیگر آمیخته‌اند. آنها بعنوان یک برنامه طرح‌ریزی شده و سیاسی می‌توانند پیامدهای ناخواسته و مشکلات ساختاری را بوجود آورند. برای مثال یک فرد ممکن است بدلائل اقتصادی، آزادی سیاسی و غیره دست به مهاجرت بزند اما هجوم گسترده افراد مهاجر به کشور مهاجرپذیر می‌تواند نسبت جمعیتی آنها را به آرامی دگرگون سازد. بدین ترتیب بیشتر موضوعات امنیت اجتماعی، موضوعات ملموسی هستند که بر هویت تاثیر می‌گذارند که از آن جمله می‌توان به مذهب، سن و جنس اشاره کرد. که سیاسی نمودن این موضوعات می‌تواند بعنوان تهدید امنیت اجتماعی محسوب گردد چنانکه امروزه مذهب بطور گسترده‌ای مقوله‌ای امنیتی و سیاسی شده است. چنانکه هر مذهب بیگانه بعنوان تهدیدی قلمداد می‌شود مانند دین مبین اسلام که برای هندوها مذهبی بیگانه به شمار می‌رود. اما موضوعات امنیت اجتماعی که در قلب و ذهن افراد می‌باشند و از عینیت خاص برخوردار نیستند زمانی در معرض تهدید قرار می‌گیرند که فرایند وارونه‌سازی رخ دهد یعنی مردم در مورد خودشان به گونه دیگری بیندیشند.

## ۵. ارزیابی امنیت اجتماعی

میتار<sup>۱</sup> با تاکید بر تئوری آنارشی اجتماعی بایلی<sup>۲</sup>، از مدل سیستماتیک برای ارزیابی امنیت اجتماعی سود برده است. وی ابتدا از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برد که عبارتند از:

P= Population	جمعیت
I= information	اطلاعات
S= Space	فضا
T= Technology	فن‌آوری
O= Organisation	سازمان
L= Level Of quality Of Security	سطح کیفی امنیت

1. Mitar

2. Bailey



و بر اساس شش متغیر فوق، معادله ذیل را تنظیم می‌نماید. (۲۸)

$$L = F(P, I, S, T, O)$$

بر اساس معادله فوق امنیت اجتماعی تابع متغیرهایی چون میزان جمعیت گروه، فضا و سرزمین اختصاصی میزان فن‌آوری و اطلاعاتی که از آن بهره‌مند است و سازمان و تشکیلاتی که تداوم بخش یکپارچگی گروه است می‌باشد.

بطور مثال اگر گروه A نسبت به گروه B از تعداد جمعیت بیشتری برخوردار باشد از آنجا که امنیت اجتماعی تابع متغیری از جمله جمعیت و میزان افراد تشکیل دهنده گروه است، میزان برخورداری از امنیت اجتماعی در دو گروه مزبور تابعی از میزان تفاوت تعداد جمعیت آنها خواهد بود. یا گروهی که از میزان فن‌آوری بالایی برخوردار است، ضریب امنیت اجتماعی در آن نسبت به گروه اجتماعی دیگری که فاقد فن‌آوری است، تفاوت می‌پذیرد.

بدین ترتیب نسبت امنیت اجتماعی از گروهی به گروه دیگر متفاوت است چرا که متغیرهای پنجگانه (جمعیت، اطلاعات، فضا، فن‌آوری و سازمان) در هر یک از گروهها متفاوت بوده و به حسب میزان تفاوت این آنها، ضریب امنیت اجتماعی نیز در گروهها متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر چگونگی و میزان توزیع متغیرهای پنجگانه، امنیت اجتماعی را در گروههای مختلف دارای ضریب متفاوتی می‌نماید.

با توجه به مختصات جوامع امروزی، متغیرهای کلان مینار سهم برابری در تعیین ضریب امنیت اجتماعی نخواهند داشت. چنانکه میزان افراد تشکیل دهنده یک قومیت یا یک اقلیت مذهبی (جمعیت آن گروه) وقتی نسبت به متغیر اطلاعات و فن‌آوری مقایسه شود. و تشکیلاتی بودن یک گروه سهم بیشتری نسبت به جمعیت آن ایفا خواهد نمود.

### ۱. نقش تئوری آنارشی در معادله امنیت اجتماعی

مینار به جای توجه به سهم نابرابر متغیرهای کلان پنجگانه در تعیین کنندگی ضریب امنیت اجتماعی، به جهت پای‌بندی به تئوری آنارشی، متغیر کلان دیگری را در معادله ارزیابی امنیت اجتماعی وارد می‌کند که از آن تحت عنوان متغیر «انحراف» نام می‌برد. قبل از توصیف متغیر انحراف و نقش آن در معادله ارزیابی امنیت اجتماعی، توضیح مختصری در باب آنارشی ضروری بنظر می‌رسد.

آنارشی از لحاظ سیاسی مفهومی احساسی است و تعریف اساسی آن در باب فقدان حکومت و قدرت مرکزی بطور ضمنی، نظم را نفی می‌کند مثل وجود فقر و بیماری که نفی‌کنندهٔ ثروت و سلامتی است. (۲۹)

هر جا که آنارشی و هرج و مرج مطرح می‌شود منظور نبود حکومت و قدرت مرکزی است. نبود سلسله مراتب قدرت و اقتدار که سامان بخش واحدهای پراکنده درون سیستم باشد به معنای القای وجود آنارشی در سیستم در میان جامعه خواهد بود. در سیستم بین‌المللی ساختار آنارشی بطور خودکار بیانگر وجود هرج و مرج در روابط بین دول حاکم نیست بلکه نشانگر برخی ویژگیهای سیاسی مانند پراکندگی و رقابت در روابط آنهاست. (۳۰)

در واقع آنارشی صرفنظر از سطح تحلیل آن (افراد، جامعه و محیط بین‌الملل) بیانگر سطحی از بی‌نظمی و هرج و مرج در روابط و الگوهای رفتاری است که بدلیل فقدان قدرت مرکزی بروز می‌کند. (۳۱)

میتار با مدد از تئوری آنارشی اجتماعی، نظام اجتماعی را بر اساس مفهوم آنتروپی تحلیل نموده و از رویکرد سیستمی در تحلیل نظام اجتماعی اجتناب کرده است. بدین جهت میتار متغیر انحراف را بعنوان شاخص آنارشی در نظام اجتماعی وارد معادله امنیت اجتماعی می‌نماید.

متغیر انحراف D شامل کلیه پدیده اجتماعی و فردی ناخواسته و مضر است مانند اشکال متنوع جرم، آسیب‌های اجتماعی، جنگهای داخلی و بین‌المللی و حوادث فنی و طبیعی گوناگون. بنابراین معادله جدید عبارت خواهد بود از:

$$L+D=f(P,I,S,T,O)$$

موضوع مهم آن است که نظام اجتماعی به جای آنکه با معیار تعادل و نظم قابل تحلیل باشد از طریق آنتروپی تحلیل می‌شود، به گونه‌ای که با به حداقل رساندن آنتروپی می‌توان بر سطح امنیت اجتماعی تاثیر گذاشت از جمله نمونه‌هایی که توسط این معادله قابل نتیجه‌گیری است کاهش آنتروپی داخلی از خلال کاهش جرایم است و در نتیجه امنیت اجتماعی (بافرض ثابت بودن آنتروپی خارجی) افزایش می‌یابد.

پس برای دستیابی به سطحی قابل قبول از امنیت اجتماعی نیازمند شناسایی متغیرهایی هستیم که آشکارترین تاثیرات را بر سیستم آنتروپی دارند. در این مورد

کشورهای پیشرفته امتیاز استراتژیکی برتری نسبت به سایر کشورها دارند. چرا که قدرت مادی و ظرفیت بیشتری از دانش و اطلاعات را در اختیار داشته و در نتیجه مسئولیت بزرگتری را برای ایجاد شرایطی که حداقل آنتروپی (در سطح ملی و فراملی) را داشته باشد، به عهده دارند.

معادله مزبور، صرفنظر از آنکه امکان ارزیابی امنیت را در سطوح گوناگون (فرد صرفنظر از متغیر جمعیت، گروه، اجتماع، جامعه، جامعه بین‌المللی) فراهم می‌کند، به جای تکیه بر متغیر تعادل بر متغیر آنتروپی تاکید دارد و بدین ترتیب به جای توجه به نظم به روندهای تغییر نظر می‌افکند.

### نتیجه‌گیری

زمانی امنیت تنها در بعد نظامی نگریسته می‌شد و با تجهیز کشور به تسلیحات نظامی ادعای برخورداری از امنیت عملی می‌شد. امروزه گرچه بعد نظامی همچنان از جایگاه بایسته خویش برخوردارست اما افزایش جنبشهای فروملی، کاهش حاکمیت ملی، درخواست افزایش مصونیت فرد در قبال عملکرد دولت، اعتراض به تفاوت فاحش فقیر و غنی، افزایش جرایم و مانند آنها باعث شده است که محققان و متفکران امنیت ملی به ساختارهای اجتماعی که بستر پرورش چنین قواعد و الگوهای رفتاری هستند توجه نموده و بعد اجتماعی امنیت ملی را در کنار ابعاد دیگر آن مورد ملاحظه قرار دهند.

طرح امنیت اجتماعی بیان به رسمیت شناختن گروهها و جمعهای اجتماعی است که افراد به جهت تعلق و وابستگی بدانها خود را عضوی از آن دانسته و نسبت به یکدیگر، بدلیل داشتن منافع مشترک و سرنوشت مشترک احساس مسؤولیت می‌کنند و در مقابل خطرات و آسیبها از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند.

امنیت اجتماعی در پی تامین امنیت برای گروههای اجتماعی است که نقش هویت‌سازی را برای اعضای خویش ایفا می‌کنند. مرجع امنیت اجتماعی گروهها و دسته‌های اجتماعی است که به جهت داشتن احساس اندیشه و عمل مشترک میان اعضایشان کلیت منحصر به فردی را تشکیل داده و به دلیل برخورداری از کلیتی یکپارچه عنوان «ما» را به خود منتسب می‌دانند. مانند: ما عربها، ما کردها، ما زنان، ما جوانان، ما شیعیان و غیره. چنین گروههایی از ویژگیها و خصوصیات اساسی چون زبان، آداب و رسوم برخوردارند که از

آن تحت عنوان «هویت» یاد می‌شود. هویت بیان ویژگیها و خصوصیات «ما» است که از پیوستگی و تعلق اعضای گروه به یکدیگر بوجود آمده است. هویت اجتماعی بیان «ما» چه هستیم» و «ما که هستیم» می‌باشد. هویت بیان آن کلیت خاصی است که بدلیل اشتراک منافع، تاریخ، سرنوشت، زبان و غیره بوجود آمده‌است.

زمانی که هویت یک گروه اجتماعی به مخاطره افتد امنیت اجتماعی مطرح می‌شود. در واقع هرآنچه که هویت اجتماعی گروهها را به مخاطره بیندازد بعنوان تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد. از آنجا که امنیت اجتماعی معطوف به گروههای فراملی، در سطح ملی یا فراملی است، تهدیدات امنیت اجتماعی نیز به همین نسبت می‌تواند در سطح فراملی، ملی یا فراملی مطرح باشند.

بوزان از سه دسته تهدیدات شامل مهاجرت، رقابتهای طولی و عرضی و یک دسته فرعی افت جمعیت نام می‌برد.

بالتبع اولین عاملی که به انسجام و تعلقات اعضای یک گروه لطمه می‌زند کاهش چشمگیر اعضای گروه است که در این ارتباط مهاجرت می‌تواند بعنوان یک تهدید محسوب گردد. رقابت طولی منوط به زمانی است که یک گروه به جهت اشاعه فرهنگی سعی در ترک الگوهای زبانی، سنتی و آداب و رسوم خویش و همانندسازی با گروهی که آن را برتر می‌شمارد، دارد. در رقابت طولی جایگزینی هویتها بدون تعارض و کشمکش و تنها بر اساس جاذبه و کشش صورت می‌پذیرد. حال زمانی که افراد میان تعلقات مختلف به گروههای متعدد و متکثر به تعریف همسازی نرسیده و بر مرجع مشخصی برای همانندسازی توافق ندارند میان الگوهای رفتاری گوناگون به تعارض و کشمکش کشانده شده و هویتهای متکثر در مقابل همدیگر خودنمایی می‌کنند آن را رقابت عرضی می‌خوانیم.

کاهش جمعیت که بدلیل بلاهای طبیعی مانند زلزله، سیل یا شیوع بیماریهایی چون طاعون پیش می‌آید فی‌نفسه تهدیدی برای امنیت اجتماعی نخواهد بود مگر آنکه جامعه را دچار اختلال کند.

در مجموع هرآنچه که باعث از هم گسیختگی درونی گروهها و دسته‌های اجتماعی گردد می‌تواند تهدیدی برای امنیت اجتماعی تلقی شود.

## یادداشت‌ها

1. Moller, Bjorn, National, Societal and Human Security, Former ipra Security General (1997-2000) paper.
2. See Moller, Bjorn, *The Concept of Security The Pros Of expansion and Contraction*, <http://www.ciaonet.org/wps/mobol/index.html>.
۳. ره‌پیک، حسن، «امنیت ملی و تحدید حقوقی آن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، تابستان ۷۷، ص ۱۳۰.
۴. بوزان، باری، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۳۴.
۵. همانجا، ص ۸۸.
۶. رجوع کنید به کووتیز، مورتون و سی.پی.باک، «امنیت ملی»، در *گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*، ج ۲، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۷. رک. فریدمن، لورنس، «مفهوم امنیت»، در *گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*، ج ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۸. رک. ماندل، رابرت، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
9. *The Concept of Security*, op.cit, <http://www.ciaonet.org/wps/Mobol/index.html>
10. Romos, Jennifer, *Austria: immigration, identity and Social security*, File://C:/ My % 20Documents / Jennifer % 20 Ramos. htm
۱۱. رک. موتیمر، دیوید، «فراسوی استراتژی، اندیشه انتقادی و مطالعات امنیتی نوین»، محمودعسگری، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پاییز، ۱۳۸۰.
۱۲. رک. شیخاوندی، داور، *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۱۳. رک. افروغ، عماد، *هویت ایرانی*، تهران، موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰.
14. See Wood Ward, Kath, *Questioning identity: Gender, Class, Nation*, Routledge, London, 2000.
15. See, MC Sweeney, Bill, *Security, identity and interests*, United Kingdom, Cambridge, 1999.
16. See, D. Torres, Rodolfo / F.Miron, Louis / xavier inda, Jonathan, *Race, identity citizenship areader*, Oxford, Blakwell, 1999.
17. Deaux, Kay, *Social identity*, City University of New York, op.cit.

18. Buzan Barry / Waever Ole, Liberalism and Security, <http://www.Ciaonet.org/Wps/bubos/bubo2.html>.

19. Buzan Barry, *The Societal Security Agenda*, op.cit.

20. Ramos, Jennifer, *Austria: Immigration, Identity and Societal Security*, op.cit.

۲۱. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰، ص ۵۷.

۲۲. رتیزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۰ - ۲۱۵.

۲۳. آرون، ریمون، جامعه‌شناسی معاصر آلمان، مرئضی نایب فر، تهران، تیبان، ۱۳۷۶، ص ۳۴-۴۱.

24. Shaw, Martin, *There is no Such thig as Society*, [www.Sussex.ac.uk/users/hafa3/global4.Htm](http://www.Sussex.ac.uk/users/hafa3/global4.Htm).

25. See *Societal Security*, [www.adems.org/anatomy/buildo1/socinrg.Htm](http://www.adems.org/anatomy/buildo1/socinrg.Htm).

26. *Security Studies*, [www.yorku.ca/dmutimer/securitystudies.Htm](http://www.yorku.ca/dmutimer/securitystudies.Htm).

۲۷. مردم، دولتها و هراس، پیشین.

28. Mitar, Miran, Assessment of Societal Security in Recent past and today, [www.ncjrs.Org/Policing/soc269.htm](http://www.ncjrs.Org/Policing/soc269.htm)

۲۹. مردم، دولتها و هراس، پیشین، ص ۱۷۳.

۳۰. زک. کاظمی، علی اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، تهران، قومس، ۱۳۷۲.

۳۱. زک. دویج، کارل و رابرت کیوهن، و جوزف نای، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ج ۲، وحیدبرزگی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی